

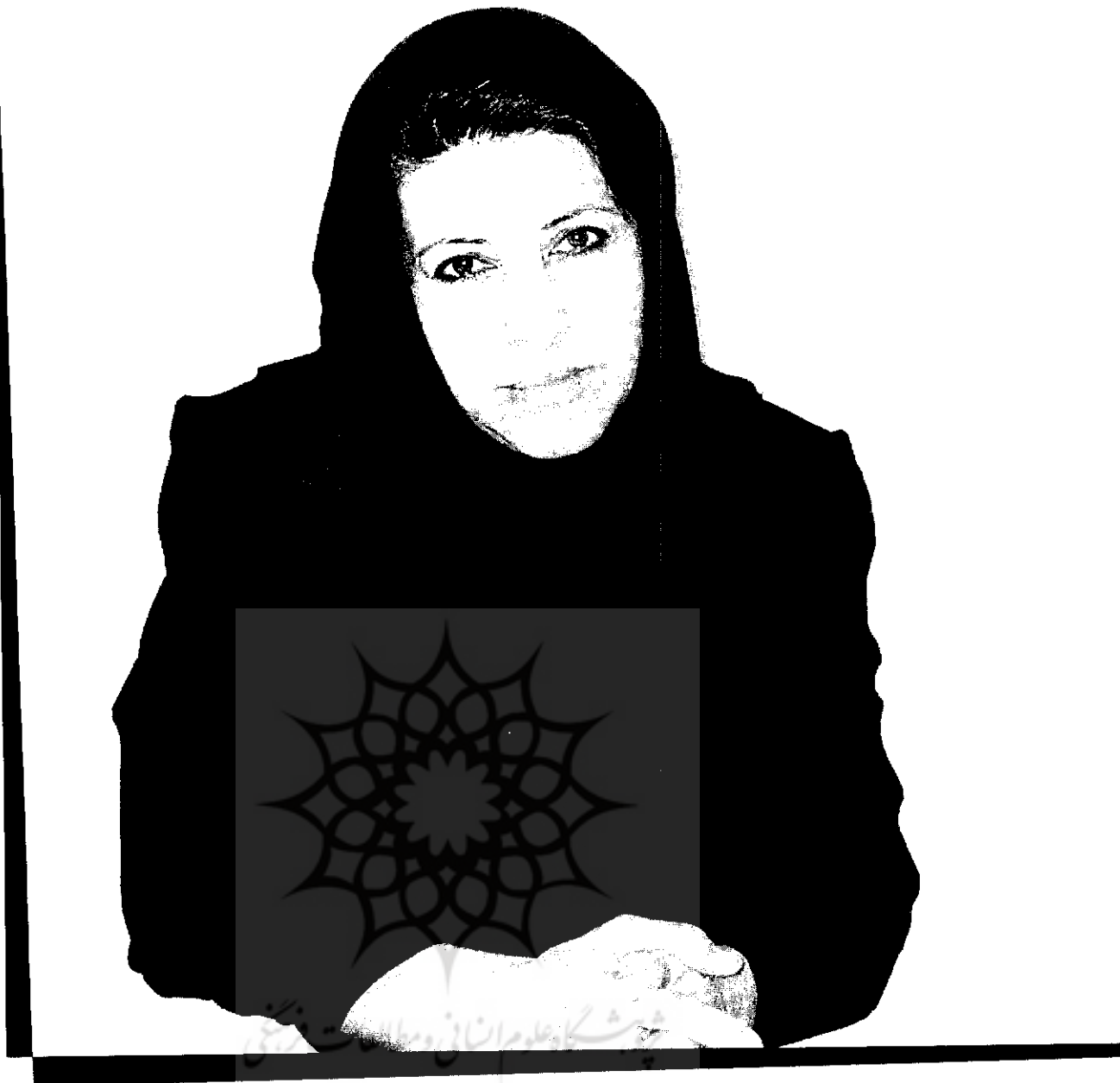
گفت‌وگو با
دکتر روح‌انگیز کراچی

روگردی من است بیانی خردمندانه

دکتر روح‌انگیز کراچی، دانشیار پژوهشی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از شمار محققان ادبی است که بیشتر تحقیقات و آثار علمی خود را در زمینه ادبیات و شعر زنان از جمله پروین اعتصامی انجام داده است که از میان آنها می‌توان به اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه (دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۱)؛ مجموعه شعر با کابوس‌های زن (مرغ آمین، ۱۳۷۷)؛ مجموعه شعر چشم‌های لوچ زمین (نگاه سبز، ۱۳۸۰) بانو گشسپ‌نامه (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲)؛ پروین اعتصامی همراه با کتاب‌شناسی توصیفی (داستان سرا، ۱۳۸۳)؛ فروغ فرخزاد (داستان سرا، ۱۳۸۳)؛ و عالمتاج قائم‌مقامی (داستان سرا، ۱۳۸۳) اشاره کرد. آنچه در پی می‌آید، گفت‌وگویی است که به مناسبت یکصدمین سالگرد تولد پروین اعتصامی با ایشان صورت گرفته است که نکات جالبی را دربردارد.

همان اوزان عروضی معمول شعر فارسی سرود که اوج سخنوری و قدرت کلام یک شاعر را نشان می‌دهد. از شاعران پیشین بیشتر ناصر خسرو و سعدی را پیش‌رو داشت، ولی از تأثیر کلام بزرگانی چون سنایی، حافظ، نظامی، مولوی، عطار و انوری هم بی‌بهره نبود. اما هنر پروین در استقلال اندیشه و شیوه شعر اوست، به طور مثال قطعه «اشکِ بتیم» را پروین به پیروی از قطعه «زیرک و

۲۵ اسفند ۱۳۸۵ سالروز صدسالگی پروین اعتصامی شاعر خردگرای زمانه ماست، شما نقش و تأثیر شعر کهن فارسی را بر کلام و اندیشه‌های پروین اعتصامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟
پروین طی ۲۱ سال فعالیت شعری، ۲۱۰ قطعه شعر در قالب قصیده، قطعه، مثنوی و چند غزل در سبک خراسانی و عراقی با



پروین اندیشه‌های انسان‌محور خود را با زبانی سلیس و روان و بدون پیچیدگی و ابهام سروده و عرفانی که در شعر او وجود دارد با تصوف اسلامی متفاوت است. اندیشه‌های عرفانی پروین بیشتر فلسفی است و تربیت و اخلاقی هم که از آن صحبت می‌کند، مبتنی بر همان اندیشه‌های عرفانی است. مخصوصاً در نتیجه‌گیری بخش مناظره‌ها، این اندیشه‌ها نمود بیشتری دارد. به نوشته دکتر زرین کوب، اندیشه‌های عرفانی او از تعالیم افلاطونی، مکتب گنوسی و نوافلاطونی گرفته شده است.

شعر پروین در ادامه ژانر شعر تربیتی است. پیشینه شعر تربیتی در ایران از آغاز تا پروین چگونه بوده است؟

پیشینه نوشتارهای تربیتی و اندرزی در ایران به اوستا می‌رسد و در ادبیات پهلوی هم نمونه‌های زیادی وجود دارد. در ادبیات

ابله» انوری با مضمون و قافیۀ مشابهی سرود. اما با تلفیق شیوه بیان و دید خود هنرمندانه رنگ استقلال به آن مفهوم عاریتی داد. این شعر یکی از موفق‌ترین شعرهای اوست.

پروین چون به طور عمیق با ادبیات پیشین فارسی آشنایی داشت، به خوبی توانست عناصر کهن شعر فارسی را با اندیشه‌های نو خود ترکیب کند و شعری مستقل بسازد. حتی در کاربرد واژه هم همین‌طور است. واژگان قدیم و جدید در شعر پروین چنان کنار همدیگر به راحتی قرار می‌گیرند و به زیبایی استفاده می‌شوند که ساختگی به نظر نمی‌آیند. پروین اگرچه شاعری سنت‌گرا بود، ولی مفاهیمی نو را به کار برد و در مناظره‌ها و شعرهای نمایشی نوگرا بود.

به نظر شما شیوه بیان افکار و اندیشه‌های عرفانی در اشعار پروین چیست؟

کلاسیک فارسی هم در این موضوع کتاب‌های مختلفی نوشته شده و بیشترین حجم کتاب‌های علوم انسانی درباره اخلاقیات است که به نوشته زنده‌یاد محمد مختاری علت وجود آن وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه بوده، چون «قاعدتاً در جامعه‌ای که از راه قانون و تعلیم و تربیت اجتماعی نظام عقلانی یافته باشد، نیازی به این همه ادبیات اندرزی نباید باشد.» ادبیات اخلاقی و تربیتی در فاصله قرن‌های سوم تا هفتم رشد زیادی داشته و هرچه به دوره معاصر نزدیک‌تر می‌شویم، گرایش به نوشتن مضمون‌های اخلاقی خیلی کم می‌شود.

پروین نخستین زن و یکی از آخرین شاعرانی است که در حوزه ادبیات اخلاقی و اندرزی اشعار بسیاری سروده و اصلاح جامعه را در گرو اندرزه‌های فردی می‌دانست.

آشنایی پروین اعتصامی با ادبیات غرب تا چه میزان بود و آیا این آشنایی تأثیری در آثار او داشته است؟

مجله بهار اعتصام‌الملک به گفته ملک‌الشعراء بهار پنج‌گامی از ادبیات غرب بود که به روی ایرانیان باز شد و در واقع دایره‌المعارفی از علم و ادب غرب و مجموعه‌های علمی - ادبی - فلسفی - سیاسی - اجتماعی و اخلاقی بود که پدر پروین به تنهایی مطالب آن را ترجمه می‌کرد و می‌نوشت. دو جلد مجله بهار که جلد اول آن در ۱۳۲۸ قمری (۱۲۸۹ شمسی) و جلد دوم آن پس از ده سال در ۱۳۳۹ قمری (۱۳۰۰ شمسی) منتشر شد، نخستین مجله‌ای بود که ایرانیان را با اندیشه‌ها و نوشته‌های روشنفکران و هنرمندان غربی آشنا کرد. اگرچه بعضی اعتراض کرده بودند که اغلب مندرجات مجله بهار اروپایی است، اما اعتصام‌الملک روشنفکری بود که می‌دانست بی-سروصدا چه کار بزرگی انجام می‌دهد.

او در جلد دوم مجله هم همان روش را دنبال کرد و در پاسخ نوشت: «همان طور که غربی‌ها خیام و حافظ و... ما را با زبان خود می‌خوانند، شما هم ببینید دیگران چه می‌نویسند و از افکار شکسپیر و هوگو و شیلر و بایرون مطلع شوید و از هر خرمنی خوشه‌ای بچینید و مندرجا به طرف اصلاحات فکری و اجتماعی بروید.» اعتصام‌الملک که با زبان فرانسه، عربی و ترکی آشنا بود، مطالب مفیدی را از این زبان‌ها به فارسی ترجمه می‌کرد و برای آگاه کردن مردم در مجله‌اش منتشر می‌کرد.

پروین از طریق ترجمه‌های پدرش با ادبیات غرب آشنا شد و سعی کرد قطعات ترجمه شده منثور را به نظم درآورد و با اندیشه و دید خود همان مفاهیم را به اشعاری ناب تبدیل کرد. مثل قطعه «مومیایی مصر» اثر هوراشیو اسمیت (H. Smith) که از شعرای انگلستان بود و در شماره ۲، سال دوم مجله بهار چاپ شده بود و پروین بدون آنکه مومیایی را ببیند، شعر «یاد یاران» را براساس

همان مفهوم هنرمندانه سرود.

پروین در آغاز شاعری، بیشتر مفاهیم و مضامین آثاری را که پدرش ترجمه کرده بود به نظم می‌کشید مثل «دو قطره خون» را که به تأثیر تریللو شاعر ایتالیایی سرود و خیلی دیگر از قطعاتی که در سال‌های نخستین شاعری یعنی در سیزده - چهارده سالگی سرود و در مجله بهار منتشر کرد. در مناظره‌ها و تمثیلات هم متأثر از لافونتن، ازوپ و آرتور بریزیان بود اما مقلد نبود. شعر او آمیزه‌ای از هنر شرق و غرب و افکار جدید و قدیم و در نوع خود بدیع بود که به لحاظ استقلال و اصالت در شعر فارسی معاصر بی‌مانند است.

خیلی‌ها معتقدند که شعر پروین مردانه است و اگر امضای پروین را نداشته باشد، مشخص نیست که این شعر سروده یک زن است، به نظر شما این عقیده تا چه اندازه درست است؟

بر اساس تحقیقات زیست‌شناسان ریشه تفاوت‌های جنسیتی به مغز مربوط می‌شود. پس تفاوت‌های رفتاری زن و مرد عمدی نیست و بیولوژیکی است. نوع بیان احساسات، توانایی کلامی، حافظه، جهت‌یابی و خیلی از این رفتارها در زن و مرد تفاوت دارند. عامل جنسیت بر زبان و اندیشه تأثیرگذار است، پس عملاً ذهنیت و زبان یک زن و یک مرد تفاوت دارد، حتی روان‌شناسان زبان معتقدند که نوع واژه‌هایی که یک زن به کار می‌برد با واژگان مردانه تفاوت دارد و این یک موضوع علمی است. بنابراین، این نوع اظهار نظرها که شعر پروین را مردانه می‌دانند، ریشه علمی ندارد و بیشتر یک عقیده شخصی است.

دلیل اینکه بعضی از منتقدان این موضوع را گفته‌اند شاید این باشد که ۱. پروین مثل زنان شاعر احساسات و هیجان‌های زنانه خودش را بیان نکرده، ۲. درونمایه اشعارش بیشتر اندیشه است، در حالی که درونمایه اشعار زنان شاعر بیشتر حسی و هیجانی است، ۳. برخلاف زنان شاعر، حدیث نفس عاشقانه نگفته است، و ۴. زمینه معنایی اشعار پروین زنانه نیست، چون موضوع تعلیمی است و به خرد و عقلانیت مربوط می‌شود و زنان قبلاً در این حوزه‌ها وارد نشده بودند، پس موضوع می‌تواند مردانه تلقی شود. به اعتقاد من، پروین جهان و هستی را از منظر یک زن دید، یک زن جدی، خردمند و روشنفکر. این نگاه با نگاه یک زن عاشق شاعر تفاوت دارد. البته این نگاه تازگی دارد. از این موضوع که بگذریم موضوع دیگری که به شعر پروین تشخیص زنانه می‌دهد، واژه‌هایی است که حکایت از محیط بسته و فضای تکراری خانه دارد و او در ارتباطی تنگاتنگ با آنها بوده و اگر چه غیر ادبی بودند، ولی با طبع روان پروین رنگ ادبی به خود گرفته‌اند. لوبیا و نخود و مطبخ و هیزم در کنار واژه‌های ادبی چنان با مهارت به کار رفته‌اند که اصلاً ساختگی به نظر نمی‌آیند، این هم یک بعد تازه از ذهنیت پروین بود.

من در یک تحقیق که بر اساس بسامد واژگان زنانه در شعر پروین انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که پر بسامدترین واژه‌هایی که پروین استفاده کرده در حوزه محسوسات و اشیائی بوده که در پیرامون شاعر وجود داشته و نشان‌دهنده محیط بسته زندگی یک زن است. واژه‌های استفاده شده در حوزه حالات روحی و درونی شاعر که دلنگی و پژمردگی و این مسائل را بیان کند، کمتر بود و کمترین واژه‌هایی که استفاده کرده در حوزه عناصر زنانه بود که به سبب حجب و حیا از واژه‌هایی که با جسم زن مربوط می‌شود، استفاده نکرده است. پس با یک روش علمی به این نتیجه رسیدم که زبان پروین مردانه نیست و زبان و ذهنیت و دید او زنانه است.

شما فکر می‌کنید پروین در آن شرایط به خصوص تاریخ ایران متناسب با زمان خودش شعر می‌گفت؟

محصول زمان بودن یعنی درک موقعیت و تاریخ یعنی زمان و مکان خود را دریافتن و اینکه در کجا و در چه شرایطی قرار داری و آگاهی به وظیفه خود در برابر مکانی که در آن هستی و زمانی که زندگی می‌کنی و چگونگی درک روابطی که تو را با انسان‌های دیگر پیوند می‌دهد و تو به عنوان انسان در برابر همه آنها مسئولیت داری. حال با این تعریف مختصر از معاصر بودن انسان، کسی می‌تواند انکار کند که پروین این بصیرت و آگاهی را نداشته؟ پروین با معرفتی نو، زمان خود را می‌شناخت. موقعیت وطن‌اش را می‌فهمید. شرایط جهانی را می‌دانست. «رسم اغنیا»، «رنجبر»، «اشک یتیم»، «مست و هوشیار» نمونه‌ای از روشن‌بینی اوست. در تمام طول تاریخ ادبیات ایران پروین تنها زن شاعری است که در دوره خود بسیار آگاهانه عمل کرد. شعار نداد، سروصدا به پا نکرد، ولی وظیفه هنرمندانه‌اش را به خوبی انجام داد.

او یکی از شخصیت‌های اثرگذار در حوزه ادبی - اجتماعی ایران در صد ساله اخیر است. تأثیر عمیق او به لحاظ ادبی بر شاعران هم‌زمان خود تلطیف و ملایم کردن شور و التهاب سیاسی شاعرانی بود که شعر را به شعار سیاسی بدل کرده بودند. شاعرانی تندرو و انقلابی که حتی جان بر سر مبارزه ناتمام خود گذاشتند. رویکرد انتقادی پروین در جو وحشت‌زده دوره استبداد با شیوه بیانی خردمندانه راهنمایی برای جامعه ادبی آن سال‌ها بود. مبارزه به ظاهر پنهان او در قالب اشعار انتقادی - سیاسی راهی را به هنرمندان نشان داد که بدون تبلیغ و تظاهر وظیفه هنرمندانه خود را نسبت به جامعه خویش در قالب اثر هنری انجام دهند و از حصار موضوعات تکراری، رمانتیک و تقلیدی شعر به پیرامون خود نظری بیندازند و در جامعه خود تأثیرگذار باشند.

گذشته از نقش اجتماعی و ادبی این شاعر، پروین در جایگاه یک زن در جامعه اخلاقی، نخستین زنی است که از شعر به عنوان سلاح مبارزه استفاده کرد و انتقاد و اعتراض خود را به زبان شعر

مطرح کرد. او به زنان آموخت که می‌توان در چاردیواری آشپزخانه، اندیشه‌ای خلاق داشت و به سیر و پیاز و نخود و ماش زبان داد تا از دردهای اجتماعی، نابرابری، بی‌عدالتی و ظلم بگویند. او درایتی بی‌نظیر و هنرمندانه در ارائه این طریق نشان داد. این روشنفکر مستقل به دور از تبلیغات صاحبان قدرت نیاز زمانه خود را شناخت، راه خود را رفت و راهی خردمندانه و هنرمندانه را به زنان نشان داد.

از اینکه پاسخگوی پرسش‌های ما بودید، سپاسگزاریم.

